

حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی (با مطالعه تطبیقی در ایران، فرانسه و امریکا)

علیرضا اقمشه^۱

امیر سلمان پور^۲

چکیده:

رفع تنش و ایجاد رابطه صحیح میان اصحاب رسانه در دسترسی به اطلاعات قضایی با دستگاه قضا از امور بسیار مهمی است که توجه به آن از ضروریات حقوق تلقی می شود. مقررات گذاری در این زمینه که اصحاب رسانه بتوانند با استفاده از حق آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات و حق آزادی بیان خود در دستیابی به اطلاعات قضایی استفاده کنند و مصاحبه هایی در این زمینه انجام دهند و دستگاه قضا نیز به هر بهانه ای از دسترسی آن ها جلوگیری نکنند، کاری بس دشوار است. همین طور از طرفی دیگر دستگاه قضا نیز برای خود بر پایه یکسری اصول است که برای بهتر انجام شدن امر خطیر قضا، پایبندی به آن اصول از مهمات دستگاه قضا محسوب می شود، اصولی مانند استقلال قوه قضاییه و قضات، اصل دادرسی منصفانه، نظم جلسات دادرسی، نظم عمومی، حفظ حریم خصوصی اصحاب دعوا و اخلاق حسنه، که توجه به آن ها نیازمند احتیاطی دوچندان می باشد تا امر قضا با مشکل روبرو نشود.

در کشور ما، با آنکه قانون انتشار و دسترسی به اطلاعات خود را توانسته ایم با مشقت های فراوان به تصویب رسانیم، اما با این حال تعادلی میان این اصول به ظاهر متعارض بوجود نیامده است و حد و مرز آن ها به درستی تعیین نشده است. دستگاه قضای کشور ما نیز با آنکه مقررات مختلفی در این زمینه به تصویب رسانده اما باز مشکل به قوت خود باقی است.

واژه های کلیدی: حق دسترسی به اطلاعات، اطلاعات قضایی، رسانه ها، حریم خصوصی.

¹ - alirezaaghmasheh@gmail.com

کارشناس ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی - دادیار دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان اندیمشک

² - amir313mahdi@gmail.com

کارشناس ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی - پژوهشگر حقوق رسانه

مقدمه:

در مورد اطلاعات قضایی، تاکنون تعریفی رسمی ارائه نشده است اما با توجه به اینکه در کار علمی تعاریف و مفاهیم، مبنای کار را تشکیل می دهند لازم است تا تعریفی از آن بیان شود. لازم به ذکر است که انواع اطلاعاتی که در قوه قضاییه بسیار اهمیت دارد و دانستن آن ها برای رسانه ها مفید می باشد بدین قرارند: (Herrero, Alvaro and Lopez, 2010:13) اطلاعات راجع به قضات، دادگاه ها، مقامات قضایی، پرونده های در حال رسیدگی و پرونده های مختومه، میزان حقوق و صورت دارایی منقول و غیرمنقول قضات و مقامات قضایی، مصوبات مربوط به امر قضا، آمار قضایی و بودجه قضایی. در کشور ما نیز اصلاً از اطلاعات قضایی تعریفی ارائه نشده است. به هر حال، طبق این مواردی که حائز اهمیت در قوه قضاییه می باشند می توان اطلاعات قضایی را اطلاعاتی دانست که حاوی آن موارد باشند. در واقع این نوع اطلاعاتی که برشمرده شده اند اطلاعاتی هستند که موجب شفافیت در دستگاه قضا می شوند و دانستن آن ها ضروری است.

اولین و مهم ترین دسته بندی اطلاعات قضایی را می توان مربوط به احکام قضایی دادگاه ها دانست که شامل: رونوشت ها، اسناد ثبتی دادگاه^۲، ضمیمه^۳، صورت جلسات^۴، توافقات^۵، نظرات و دفاتر ثبت دعاوی حقوقی^۶ می باشند. این اطلاعات ممکن است بر اساس این که دادرسی دارای ماهیت کیفری یا حقوقی باشد، یا شامل اطفال یا بزرگسالان باشد و یا این که اطلاعات دارای ماهیت خصوصی و محرمانه و یا عمومی باشد، به انحاء مختلفی طبقه بندی شوند. بنابراین می توان گفت که دسته اول از اطلاعات قضایی عموماً به راحتی در دسترس عموم قرار می گیرند.

¹-Transcripts.

²- Documents filed with the court (pre- and post-trial).

³- Trial Exhibits.

⁴- Recordings.

⁵- Settlements.

⁶- Opinions.

⁷- Dockets.

مبانی حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی:

برای پوشش خبری دادرسی ها لازم است تا رسانه ها در دادگاه ها حضور داشته باشند و از نزدیک دادرسی ها را نظاره کنند و به عنوان نمایندگان جامعه و چشم و گوش مردم، وظایف خود را به نحو خوبی به انجام رسانند. آن مواردی که ضرورت این کار را ایجاب می کنند بدین قرارند: حمایت از حق آزادی اطلاعات و خصوصاً داشتن حق دسترسی به اطلاعات موجود در نهادهای حکومتی، آزادی بیان و اطلاع رسانی به جامعه، اصل علنی بودن محاکم، نظارت بر دادرسی منصفانه از طرف رسانه ها، پاسخ گویی نهادهای حکومتی از جمله قوه قضاییه، شفافیت سازی قوه قضاییه و... این موارد را می توان از مبانی حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی نامید که در ادامه مبحث، به توضیح هر یک خواهیم پرداخت.

آزادی بیان و اطلاع رسانی:

آزادی بیان از اصلی ترین و بنیادی ترین حقوق اساسی یک جامعه تلقی می شود. این حق خصوصاً برای رسانه ها که کارشان اطلاع رسانی است اهمیت بسیاری پیدا می کند. آزادی بیان در اسناد مختلفی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، برای مثال ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می دارد: "هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد."

اصل علنی بودن دادرسی ها:

یکی دیگر از مبانی حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی، علنی بودن دادرسی ها است. کشورهایی که این اصل را در رسیدگی های قضایی مورد استفاده قرار می دهند به دو دسته تقسیم شده اند. دسته اول کشورهایی هستند که دیدگاه سنتی خود را از اصل

علنی بودن دادرسی‌ها حفظ کرده‌اند و از تفسیر مضیق این اصل استفاده کرده‌اند و صرفاً عدم مانع برای حضور در دادرسی را از معیارهای علنی بودن می‌دارند. اما دسته دیگر، کشورهایی هستند که دیدگاه جدیدی نسبت به این اصل دارند و حضور فیزیکی را شرط و معیار علنی بودن نمی‌دانند بلکه با تصویب مقررات جدیدی در این زمینه، مانند قوانین دسترسی الکترونیکی و آنلاین به دادرسی‌ها که برای مثال در برخی از ایالت‌های آمریکا و کانادا به تصویب رسیده‌اند، راه دسترسی را برای عموم و رسانه‌ها باز کرده‌اند و مفهوم علنی بودن را از این محدودیت صرف حضور، خارج کرده‌اند و این همان تفسیر موسع از اصل علنی بودن دادرسی‌ها می‌باشد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۱-۲۷۲) هنگامی که از جریان وبسایت استفاده می‌شود، جامعه می‌تواند آنچه را که از دادگاه می‌داند بررسی کند و ببیند که در هنگام مدیریت قانون، سیستم قضایی واقعا چه می‌کند. (Lee, 2013:3)

اصل علنی بودن دادرسی، مانند سایر اصول مهم دادرسی‌های کیفری علاوه بر قانون اساسی، در قوانین عادی نیز پیش‌بینی و مقرر گردیده است. قانون اساسی کشور ما بر علنی بودن محاکمات و امکان حضور افراد در جلسات دادرسی تصریح نموده است. طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آن‌که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد...»

حق دسترسی آزاد به اطلاعات نهادهای حکومتی:

حق دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد اخبار به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی و از اصول پذیرفته شده جهان امروز است. دیگر کسی تردید ندارد که به دلایل مختلف دسترسی مردم به اطلاعات و آگاه بودن آنان از اخبار پیرامونی خود، از جمله حقوقی است که تأمین آن وظیفه و نیز در نهایت به سود دولت‌ها است. این حق هم در اسناد حقوق بشری و هم در قوانین اساسی ضمانت شده است. دسترسی شهروندان به اطلاعات، پایه‌های یک دولت مسئول و دموکراتیک را تقویت می‌کند و

حتی می‌توان ادعا کرد که دسترسی به اطلاعات یک عنصر مهم برای یک حکومت دموکراتیک است.

حدود دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی:

همان طور که پیش از این گفته شد، دسترسی به اطلاعات برای مردم و خصوصاً برای رسانه ها آثار بسیار مفیدی دارد که ایجاب می‌کند چنین حقی را ارج نهیم و از آن در حد بسیار مطلوبی حمایت کنیم؛ اما از طرفی باید به این مطلب هم عنایت داشت که با دسترسی رسانه ها به جلسات دادرسی و دستیابی آن ها به اطلاعات قضایی، ممکن است به حقوق کسانی که در جلسات دادرسی شرکت می‌کنند و یا ارتباطی با آن پرونده یا اطلاعات دارند، لطمه وارد شود و در اعمال اصول و حقوقی دیگر مانند اصل برائت متهمین پرونده، حق حریم خصوصی شرکت کنندگان و اصحاب دعوا، اصل استقلال قضات، نظم عمومی، اخلاق حسنه و اداره جلسات دادرسی، اختلال ایجاد کند و این همان نقض غرضی است که ترس از ایجاد آن، ما را به سمت آن سوق می‌دهد که توجه جدی به رفع تنش میان این قبیل اصول و حقوق ظاهراً متعارض داشته باشیم.

رعایت اصول دادرسی عادلانه: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از حدود دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی، احترام و رعایت حدود اصول دادرسی منصفانه است. چه بسا متهمی که در دادگاه قرار است از وی گزارش صوتی یا تصویری تهیه شود پس از مدتی کوتاه حکم بی گناهی خود را بگیرد اما با پخش گزارش دادرسی، حیثیت خود را از دست بدهد. بدین خاطر که او در نگاه همگان به عنوان یکی از طرفین پرونده مطرح بوده و همه او را به شکل دیگری می‌نگرند. بدین خاطر لازم است تا توجه ویژه ای به این اصل شود و رسانه ها و همچنین قضات پرونده، به اصول دادرسی منصفانه مثل اصل برائت متهم اهتمام جدی ورزند.

بنابراین یکی از اصول دادرسی منصفانه، اصل برائت است که باید رعایت گردد. این اصل در مواد مختلفی از اعلامیه های جهانی مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال در ماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می دارد: "هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعویش بوسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید." (Universal Declaration of Human Rights , 1948)

رعایت اصل استقلال قوه قضاییه:

یکی دیگر از حدود حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی، رعایت و سر نهادن به اصل استقلال دستگاه قضا است. باید گفت از طرفی در هر کشوری که به آزادی بیان معتقد باشد بین مسئولان قضایی و دیگران فرقی وجود ندارند. وقتی از یک رئیس جمهور یا یک نخست وزیر انتقاد می شود طبعاً از یک دادستان یا قاضی عالی رتبه هم می تواند انتقاد شود. بنابراین درست است که مسئولان اجرایی بیشتر در مظان انتقاد هستند چون بیشتر در کارهایشان به صورت روزمره با مردم سر و کار دارد ولی اگر کارهای انتقادآمیز از مسئولان قضایی هم سر بزند طبعاً انتقاد مطبوعات را در کشورهای معتقد به آزادی اطلاعات و بیان برمی انگیزد.

حفظ حریم خصوصی:

یکی دیگر از محدودیت های حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی، رعایت حریم خصوصی طرفین دعوا و افراد درگیر در پرونده می باشد که ممکن است از اصحاب دعوا گرفته تا شهود و مطلعین و کارشناسان و غیره، دامنه این حریم خصوصی افزایش یابد. حریم خصوصی عبارت است از حق بر تنها ماندن. حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی های ناخواسته

به انسان. حریم خصوصی یعنی محرمانگی و پنهان ساختن برخی از امور از دیگران. حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی. (انصاری، ۱۳۸۷:۳۹-۴۰)

مجموعه قوانین مرتبط با حریم خصوصی در ایالات متحده برای نقض حریم خصوصی چهار رکن اصلی برشمرده اند که محدوده و تعریف حریم خصوصی را مشخص می کند: (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۲)

- ۱- تعدی به قلمرو حریم خصوصی افراد
- ۲- افشا کردن موارد حریم خصوصی زندگی افراد به شکلی که این کار باعث شرم سازی آن ها گردد.
- ۳- انتشار مکانی که شاکی را در شرایط ناحق و ناعادلانه در دیدگاه عموم قرار داده باشد.
- ۴- سوء استفاده از اسم و شهرت دیگران

حریم خصوصی اشخاص:

از جمله مصادیق بارز حریم خصوصی افراد می توان به اطلاعات افراد اشاره نمود که تعرض به این حریم، تعدی به حقوق اشخاص در برخورداری از امنیت سالم اطلاعاتی به شمار می آید. حفظ حریم خصوصی اطلاعات در واقع مصون ماندن اطلاعات و اخبار مربوط به حوزه زندگی شخصی و خصوصی افراد تلقی می گردد که انسان خواستار عدم دسترسی دیگران به آن اطلاعات بدون اجازه و مجوز لازم می باشد. حریم خصوصی اشخاص در اماکن خاص:

در مواردی ضبط تصویر یا صدای افراد و پخش آن در مکان یا موقعیتی عرفاً حساس صورت می پذیرد که می تواند ناقض حریم خصوصی آنان محسوب گردد. بیمارستان ها و مراکز درمانی، زندان ها، کلانتری ها، داسراها و تیمارستان ها از بارزترین مصادیق مکان های حساسی اند که فعالیت رسانه ها در این مکان ها باعث نقض حریم خصوصی اصحاب دعوا و سایرین می شود. علاوه بر این ضبط صدا و تصویر افراد حاضر، نیازمند رضایت آن ها یا نمایندگان قانونی آن هاست. (همان، ۳۷۶-۳۷۹)

حریم خصوصی و سوابق کیفری اصحاب دعوا:

به اعتقاد کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ کنگ در ایجاد تعادل میان حق مردم بر داشتن سوابق کیفری یک فرد و نفع آن فرد در فراموش شدن واقعه ای که به خاطر آن محکوم شده است مطبوعات باید معیارها و ملاک های زیر را مورد توجه قرار دهند: (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۶۸-۲۷۱)

۱- آیا فرد مذکور یک شخصیت عمومی است یا نه. اگر شخصیت عمومی است آیا بین جرمی که به خاطر آن محکوم شده است و سمت عمومی که الان دارد ارتباطی وجود دارد یا خیر.

۲- آیا جرم مورد بحث با تصویر عمومی آن شخص سازگار است یا نه.

۳- شدت جرم.

۴- چند سال از زمان محکومیت آن شخص می گذرد.

۵- آیا شخص مورد نظر به طور کامل اعاده حیثیت کرده است یا خیر.

۶- آیا انتشار هویت آن فرد بر مبنای سایر دلایل توجیه شدنی است یا نه.

در همه جوامع چالش میان منافع عمومی و خصوصی در زمینه سوابق کیفری وجود دارد. بدین صورت که سوابق کیفری شامل مطالب بی شماری از اطلاعات شخصی مجرم، موضوعات کیفری وی، اشخاص مرتبط با او و اطلاعات حساس بسیاری می باشد که برای این که اطمینان حاصل کنیم تا دسترسی به مندرجات پرونده کیفری مجرم باعث تسهیل ارتکاب جرایم دیگر، تعرض و تهدید حریم خصوصی دیگران و هتک حیثیت آنان نمی شود باید احتیاط بسیاری در این موضوع کرد.

حریم خصوصی اطفال و سوابق کیفری آنان:

بر طبق دادگاه بخش اوکلاهاما^۱ در ایالات متحده امریکا (۱۹۷۷)، دادگاه این طور حکم داده که اگر به رسانه اجازه حضور در دادگاه خردسالان داده شود، به آنها اجازه افشای اطلاعات جلسات داده نمی شود. بنابراین، آنهایی که در مورد محرمانگی جلسات

^۱Oklahoma

محکمه خردسالان بحث می کنند، باور دارند که این دادگاه ها اصلاً محرمانه نیستند. می گویند که هویت این خردسالان بالاخره افشا می شود. در حقیقت، بعضی از این افراد می گویند که ترس از شرمندگی خود شخص یا خانواده وی، به عنوان یک بازدارنده عمل می کند. با آشکار بودن در پروسه محکمه خردسالان، یک جامعه می تواند ببیند که این پروسه در واقع جواب می دهد و در نتیجه آنرا وادار به مؤثر کردن کار کند. تحقیقات نشان می دهد که برای عموم، نفعی در حفاظت از این کودکان و نوجوانان وجود دارد، که این خود علاوه بر جلوگیری از سوء استفاده قضایی و اشتباه عملکردی سیستماتیک مرتبط با جلسات محاکمه سر بسته است. (Webb,2008: 13-20)

حفظ نظم جلسات دادرسی:

یکی دیگر از محدودیت هایی که برای دسترسی اصحاب رسانه به اطلاعات قضایی وجود دارد، رعایت نظم جلسات دادرسی است. ممکن است روزنامه نگار یا عکاس و یا فیلمبرداری، پس از اخذ اجازه از رئیس دادگاه، اقدام به فعالیت کرده اما به دلیل اینکه با اقدامات خود نظم جلسه را به هم زده است و اختلال در روند رسیدگی بوجود آورده، رئیس دادگاه از ادامه فعالیت وی جلوگیری کرده و حتی برای دفعات بعدی نیز به او اجازه فعالیت در محیط آن دادگاه را ندهد.

رعایت نظم عمومی:

یکی از مفاهیم بنیادینی که در علم حقوق واجد آثار مهم، اما مبهمی است مفهوم نظم عمومی است. این مفهوم هرچند دارای آثار و تبعات گوناگونی در رشته های مختلف حقوقی است اما هیچ گاه به طور مشخص مورد تعریف دقیق و مشخص قرار نگرفته است. اختلال با نظم مفهومی ارتباطی عام دارد و تقریباً تعیین این که چه امری با نظام مخالف است با قاضی است و این تعیین هم به تربیت قاضی و محیط زندگی او و تمایلات مردم سرزمین وی و سوابق تاریخی کشور بستگی دارد.

رعایت اخلاق حسنه:

اخلاق حسنه چهره خاصی از نظم عمومی است، با آنکه منظور نهایی اخلاق، ساختن انسانی منزه و پارسا است و حقوق به برقراری عدالت و برابری نظر دارد، نظام حقوقی هیچگاه بی نیاز از اخلاق نبوده است. زیرا، در بسیاری از موارد، برای حفظ عدالت اجتماعی، ناگزیر است که پاره ای از قواعد اخلاقی را حمایت کند. به همین جهت، باید اخلاق را بیگمان یکی از مبانی مهم حقوق دانست. عناوین جرائمی که می توان مخالف اخلاق حسنه دانست، جرائمی مانند اخلال در نظام اقتصادی کشور، جرائم منافی عفت، رشوه خواری و... است که می تواند محدودیت هایی برای حضور رسانه ها در جلسات دادرسی ایجاد کند؛

وضعیت حقوقی دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی در ایالات متحده

امریکا:

در امریکا، دادگاه ها همواره بر روی عموم باز بوده اند و هر کس که می خواسته، در صورت وجود صندلی خالی، می توانسته محاکمه را تماشا کند. با این وجود، هنگامی که دادگاه ها حق گزارشگران را برای حضور در جلسات دادرسی و بررسی اسناد دادگاه به رسمیت می شناسند، این حق به ندرت یک حق مطلق و بی قید و شرط است. در عوض، دادگاه ها معمولاً از یک آزمون توازن برای تعیین اینکه آیا نفع افشای مسئله از محرمانه نگه داشتن آن بیشتر است یا نه، استفاده می کنند. استناداری که دادگاه ها برای به کارگیری این توازن مورد استفاده قرار می دهند به منبع این حق بستگی دارد. دادگاه ها دریافته اند که رسانه ها حق دسترسی به سوابق و اقدامات قضایی را تحت متمم اول قانون اساسی و قوانین فدرال، دارند. این روش های دسترسی منحصر به فرد نیست؛ ممکن است این حق دسترسی هم تحت قانون عرفی و هم متمم اول، یافت شود. (Ibid)

دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی در رویه قضایی امریکا:

در دعوی نیکسون در برابر شرکت ارتباطات وارنر، تنها موردی بود که در آن دیوان عالی ایالات متحده، به طور مستقیم، حق رسانه ها برای کپی برداری از مدارک ضبط شده، تحت قانون دسترسی، را مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۷۸، در ارتباطات وارنر، دادگاه، نظر دادگاه استیناف ایالات متحده را مورد بررسی قرار داد و رد کرد. دادگاه استیناف فدرال، اجازه دسترسی رسانه ها به نوارهای صوتی ارائه شده در محاکمه واترگیت را، اعطا کرد. در ارتباطات وارنر، دیوان عالی، این تصمیم را، به دلایل قانونی، نقض کرد، و مقرر داشت که قانون ثبت ریاست جمهوری، به طور انحصاری، روال موجود برای انتشار نوارها را هدایت می کرد. اگرچه، دیوان عالی، تصمیم اخذ شده در میچل را نقض کرد، اما دادگاه مانع تحول قدرت قانون عمومی دسترسی، و یا روش آن برای ارزیابی تصمیم یک دادگاه پایین تر، نشد. (Coffey, 2003, 34-45) بنابراین در رویه قضایی امریکا، سعی شده است تا هماهنگی بیشتری با مقررات مرتبط با حق دسترسی رسانه ها ایجاد شود.

دسترسی رسانه ها به اطلاعات اعضای هیئت منصفه:

پس از تغییراتی که در قوانین حاکم بر دادگاه فدرال، مبنی بر این که "اطلاعات مربوط به اعضای هیئت منصفه نباید در دادگاه و یا به صورت آنلاین موجود باشد"، صورت گرفت، این دادگاه در اغلب موارد مانع افشای اطلاعات شخص اعضای هیئت منصفه شد. با این وجود، برخی دادگاههای استیناف، مقرر کرده اند که متمم اول قانون اساسی، حق دسترسی مردم به اطلاعات شخصی اعضای هیئت منصفه را به رسمیت شناخته است.

در ژولای سال ۲۰۱۰ نیز، دادگاه تجدیدنظر امریکا، به قاضی دادگاه فساد فرماندار سابق ایلینویز، بلاگوئیچ، دستور داد تا جلسه ای را برای تصمیم گیری در خصوص این که آیا نام اعضای هیئت منصفه باید قبل از پایان محاکمه منتشر شود، ترتیب دهد. دادگاه استیناف بر این باور بود که قاضی بخش، جیمز زاگل، هنگامی که حکم کرد اعضای

هیئت منصفه در دادگاه‌های سنگین باید تا پس از تکمیل دادرسی، ناشناس باقی بمانند، در واقع بدون شواهد و مدارک این کار را کرده است. با این وجود، قبل از آنکه دادگاه حکم خود را مورد بازبینی قرار دهد، رسید و نام اعضای هیئت منصفه به زودی منتشر شدند. اما قضات، با توجه به مسائل مربوط به حفظ حریم شخصی، به صورت روزافزونی دسترسی به اطلاعات شخصی اعضای هیئت منصفه را در موارد بیشتری محدود می‌کنند. هویت اعضای هیئت منصفه در پرونده‌های کبفری بر علیه مارتا استوارت و سرمایه‌گذار بانکی، فرانک کواترون، محرمانه اعلام شد، اما هر دوی این دستورات توسط دادگاه استیناف آمریکا در نیویورک، رد شد.^۱

برخلاف اقدامات دادگاه جنایی، اقدامات هیئت عالی منصفه، همواره به صورت مخفیانه صورت گرفته است. به عنوان مثال، در می سال ۱۹۹۸، دادگاه استیناف فدرال، تصمیم دادگاه بخش، مبنی بر عدم دسترسی رسانه‌ها به جلسات دادرسی و اسناد مربوط به ادعای امتیاز انحصاری رئیس جمهور بیل کلینتون در خصوص مسائل مونیکا لوینسکی، را تایید کرد. این دادگاه بر این باور بود که رسانه‌های خبری، حق دسترسی بر مبنای متمم اول قانون اساسی، به اقدامات هیئت عالی منصفه، که همواره به صورت محرمانه برگزار می‌شده، را ندارند. براساس نظر دادگاه، به رسمیت شناختن حق متمم اول قانون اساسی برای حضور در اقدامات فرعی، مشکلات عملیاتی زیادی را در مدیریت قضایی ایجاد می‌کند.^۲

۵. وضعیت حقوقی دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی در فرانسه:

علنی بودن دادرسی‌های دادگاه‌ها:

در این کشور، طبق ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مذاکرات علنی است مگر اینکه علنی بودن جلسات برای نظم و اخلاق خطرناک باشد. در این صورت دادگاه این موضوع را به وسیله رأی صادره در جلسه علنی اعلام می‌نماید.

¹ - See: Case Of *ABC v. Stewart*, 360 F.3d 90 (2d Cir. 2004); *U.S. v. Quattrone*, 402 F.3d 304.

² - See: Case Of *In re Motions of Dow Jones & Co.*, 142 F.3d 496.

هر گاه تعقیب ها به خاطر تجاوز به عنف یا شکنجه و اعمال خشونت بار همراه با تجاوزات جنسی باشد، در صورتی که بزه دیده شاکی یا یکی از بزه دیدگان شاکی، برگزاری غیرعلنی جلسات را درخواست کنند، این موضوع حق آنان است. در حالات دیگر، در صورتی که بزه دیده شاکی یا یکی از بزه دیدگان شاکی اعتراض نداشته باشند، جلسه به صورت غیرعلنی برگزار می شود. مقرر است ماده حاضر در دادگاه جنایی اطفال نیز قابل اجرا است. (قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ۱۳۹۱:۶۵) جلسات دادگاه نیز علنی است. با این وجود، دادگاه می تواند با ذکر این موضوع در رأی خود که علنی بودن برای نظم، آرامش جلسات، کرامت شخص یا منافع شخص ثالث خطرناک است، با رأی صادره در جلسه علنی دستور دهد که مذاکرات به صورت سری برگزار شود. (ماده ۴۰۰)

ممنوعیت های انتشار روند دادرسی و اطلاعات قضایی:

در ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می کند: "به مجرد شروع جلسه دادگاه، به کارگیری هر وسیله ضبط یا پخش صوتی، دوربین های تلویزیونی یا سینمایی، وسایل عکاسی و فیلم برداری ممنوع است و متخلف به ۱۸۰۰۰ یورو جزای نقدی بر طبق شرایط پیش بینی شده در بخش هشتم کتاب چهارم محکوم می شود."

همین طور در ماده ۳-۳۵ قانون آزادی مطبوعات این کشور ('Loi sur la liberte de la presse:2007) نیز اعلام داشته است: «انتشار مطلب درباره اشخاص بدون در نظر گرفتن رضایت یا عدم رضایت آن ها ممنوع است. خواه مطالب چاپ شده به نفع اشخاص باشد و خواه به ضرر آن ها، چاپ و نشر مطالب و تصویر اشخاص شناخته شده یا قابل شناسایی، به هر طریق و هر وسیله که باشد برای ذینفع حق اقامه دعوی کیفری بوجود می آورد. در این صورت مرتکب تجاوز به حریم خصوصی اشخاص به ۱۵۰۰۰ یورو، جزای نقدی و توقیف موقت نشریه محکوم می گردد.»

در بخش ۵ قانون آزادی مطبوعات فرانسه نیز که با عنوان "انتشار های ممنوع و مصونیت های دفاعی"^۱ می باشد ممنوعیت های دیگری را مطرح کرده است. در ماده ۳۸ این قانون چنین بیان می کند: «انتشار اسناد و مدارک اتهام و تمام موارد مربوط به دعوای اقامه شده در دادگاه کیفری یا انتشار اقدامات تأدیبی و تربیتی پیش از اینکه جلسه عمومی دادگاه آغاز شود ۳۷۵۰ یورو جزای نقدی مجازات اعمال می گردد. صرف نظر از ترتیبات مندرج در ماده ۱۵ مجموعه قوانین جزایی، انتشار دادن هر گونه اطلاعات و اخبار مربوط به کار، شغل، و مذاکرات مشورتی مقامات قضایی ممنوع بوده و مرتکب آن تحت همان مجازات قرار می گیرد، به استثنای ارائه اطلاعات مربوط به مصالح عمومی و تعلیمات عمومی که در این ماده بیان می شود و مربوط به نظم عمومی می باشد و ارائه این اطلاعات اقدامی علیه صاحب منصبان قضایی می باشد ولی نشریات خواهند توانست اطلاعات و مدارک مربوطه را صرفاً با اجازه رئیس یا معاون رئیس انتشار دهند.»

ماده ۲-۳۸ نیز که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۰، تدوین شده و در تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۲ لازم الاجرا شده است می گوید: «در زمان شروع جلسه دادگاه، چه در دادرسی قضایی یا دادرسی اداری باشد، ثبت کردن، انتشار مذاکرات یا تصاویر قضات یا تمام کارکنان ممنوع است مگر با اجازه کتبی دستگاه ذیربط، رئیس دادگاه مزبور می تواند دستور به انتشار مذاکرات دستگاه مزبور و پشتیبانی از گفتار یا تصاویر کاربردی دهد و تخلف از آن ممنوع می باشد... تخلف از هر یک از ترتیبات موجود در ماده قانونی حاضر به ۴۵۰۰ یورو جزای نقدی قابل مجازات خواهد بود. به عبارت دیگر دادگاه می تواند مجازات های مادی و نقدی علیه متخلفین اعمال کند و از گفتار و تصویر موجود حمایت کند. همچنین انتقال یا انتشار مذاکرات دادرسی به هر شیوه و روشی خواه از طریق ثبت و ضبط یا از طریق ارائه اسناد دریافتی صورت گیرد ممنوع بوده و تخلف از آن جرم می باشد و در صورت تخلف از ترتیبات ماده حاضر مرتکب آن قابل مجازات خواهد بود.»

^۱- publications interdites , immunité's de la de'fense.

همچنین گزارش دادن از مذاکرات داخلی، خواه گزارشات هیئت منصفه، خواه دادگاه و دادسرا ممنوع است. در هر گونه تخلف از این ممنوعیت ۱۸۰۰۰ یورو جزای نقدی مجازات تعلق می گیرد (ماده ۳۹).

در صورت انتشار و پخش هر گونه اطلاعات مربوط به هویت یا شناسنامه افراد ۱۵۰۰۰ یورو جزای نقدی به عنوان مجازات اعمال خواهد شد (ماده ۲-۳۹):

« الف- گزارش از مسائل محرمانه مربوط به اطفال توسط والدین، قیم یا شخص و مؤسسه ای را که مسؤول نگهداری از آن ها باشد یا طفل جهت نگهداری به آن ها سپرده شده است.

ب- گزارش از طفل در شرایط ذکر شده در موارد ۱-۲۲۷ و ۲-۲۲۷ مجموعه قوانین جزایی،

ج- گزارش از طفلی که خودکشی کرده باشد.

ح- گزارش از یک طفل که قربانی جرائم جنسی قرار گرفته است....”

انتشار یا پخش اطلاعات و اخبار درباره هویت قربانی تجاوزات جنسی یا تهیه تصویر از این قربانیان در صورتی که قابل شناسایی باشند با هر انگیزه ای که صورت گیرد خواه به طور کلی خواه با انگیزه حمایت از آن ها ۱۵۰۰۰ یورو جزای نقدی مجازات اعمال می گردد. ترتیبات مندرج در ماده حاضر موقعی که قربانی جرایم جنسی به طور کتبی موافقت خود را از انتشار اعلام نماید قابل اعمال نخواهد بود. (ماده ۵-۳۹)

اعلان و انتشار مجازات های قضایی، مجازات های کیفری و تأدیبی و اعلان مجازات جزای نقدی که با هدف کسب غرامت، جریمه و تحصیل زیان های از دست رفته منافع عمومی صورت گرفته ممنوع می باشد. (ماده ۴۰) متخلف از این حکم به شش ماه حبس و ۴۵۰۰۰ یورو جزای نقدی یا صرفاً به یکی از این دو نوع مجازات محکوم می گردد.

۶. وضعیت حقوقی دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی در نظام حقوقی ایران:

از آنجایی که حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات، از مقدمات حق آزادی بیان آن ها تلقی می شود؛ بنابراین بیراه نیست تا پایه آزادی بیان را برای رسانه ها همین حق

دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی بدانیم. در کشور ما به کرات از حق آزادی بیان مطبوعات و حق دسترسی آن‌ها به اطلاعات صحبت شده است که در این قسمت به این مهم خواهیم پرداخت. برای این کار لازم است تا قوانین و مقررات مرتبط را در کنار هم قرار داده و یک به یک آن‌ها را تحلیل کنیم. در کشور ما، در مورد دسترسی رسانه‌ها به اسناد و اطلاعات قضایی، قوانین و مقرراتی به تصویب رسیده است که در این قسمت به این مطلب خواهیم پرداخت:

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸:

این قانون با تمام فراز و نشیب‌هایی که در تصویب آن رخ داد، از مهم‌ترین قوانینی است که می‌تواند در تأیید و تأکید آزادی بیان و آزادی اطلاعات مورد استفاده قرار گیرد. طبق ماده ۲ این قانون، «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آن که قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود.» همین‌طور اطلاعات عمومی که در این قانون تعریف شده است اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین‌نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری است که از مصادیق مستثنیات فصل چهارم این قانون نباشد. (ماده ۱ بندج)

در این قانون، دو نوع شیوه برای دسترسی به اطلاعات پیش‌بینی شده است و آن‌ها هم شیوه فعال و منفعلانه است. در شیوه فعال، می‌توان گفت که این خود مؤسسات عمومی هستند که می‌بایست بخشی از اطلاعاتی که در این قانون گفته شده است را به طور خودکار در اختیار عموم قرار دهند. در این راستا ماده ۱۰ چنین می‌گوید:

همین‌طور شیوه دوم که همان دسترسی به اطلاعات منفعلانه است در مواقعی است که متقاضی اطلاعات که همان مردم هستند به آن مؤسسه عمومی درخواست می‌دهد و خواستار دستیابی به اطلاعات می‌شود. در هر صورت با تمام این تفصیلات باید گفت که

قوه قضاییه یکی از مؤسسات عمومی است و طبق این مواد، دسترسی به اطلاعات مدون آن حق مردم و رسانه ها می باشد.

مصوبات قوه قضاییه:

قوه قضاییه نیز در باب اطلاع رسانی اطلاعات قضایی و در دسترس قرار دادن یا ندادن پرونده های قضایی در این سال ها مقرراتی را به تصویب رسانده است که ذکر آن ها در این جا ضروری می باشد.

برای مثال، در دستورالعمل حفاظت از اسناد، اطلاعات و ادله پرونده های قضایی شماره ۱/۸۵/۱۶۱۶۲ مورخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۱ نیز مواردی را مطرح کرده که محدودیت های دسترسی به اسناد و اطلاعات قضایی را تعیین کرده است که این در واقع به خاطر جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی در سیستم قضایی می باشد.

در ماده ۱۸ این دستورالعمل شرایط دسترسی وکلا، کارشناسان و اصحاب دعوا را به پرونده های قضایی مشخص کرده است. در ماده ۲۱، ممنوعیت های انتشار و افشای جریان رسیدگی و طرح اسرار و اطلاعات پرونده ها را تعیین کرده است که به طور موردی می توان عنوان زیر را برشمرد:

- ۱- ممنوعیت اشخاص غیرمجاز در جلسات غیرعلنی دادگاه و تحقیقات محلی
- ۲- ممنوعیت انتشار و افشای جریان دادگاه اطفال
- ۳- ممنوعیت مصاحبه و اظهار عقیده درخصوص براءت یا مجرمیت متهم توسط قضات

۴- ممنوعیت ارائه و طرح و بحث و گفتگو در مورد اسرار و اطلاعات مربوط به پرونده های قضایی در حضور اشخاصی فاقد سمت و صلاحیت در محل کار و خارج از محل کار.

در این ماده از آیین نامه با این که از نحوه دسترسی مردم و همچنین رسانه ها به این نوع از اطلاعات صحبت نشده است اما می بایست طبق حق دسترسی مردم و رسانه ها

به اطلاعات، اولاً دسترسی این نوع اطلاعات را حق مردم و رسانه ها دانست، ثانیاً با اصلاح این آیین نامه یا مراجعه به قوانین و آیین نامه های تکمیلی دیگر نقص این آیین نامه را رفع کرد تا در اجرای دسترسی به این نوع سوابق، مردم و رسانه ها دچار مشکلاتی نشوند.

از اقدامات دیگری که قوه قضائیه کشور ما در رابطه با نحوه اطلاع رسانی پرونده های قضایی انجام داده است تصویب آئین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۹ می باشد که جایگزین " آئین نامه اجرایی شورای عالی اطلاع رسانی و پاسخگویی قوه قضائیه"، شده است.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲:

طبق ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری " محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند:

الف- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است."

در این ماده که از مهم ترین مواد محسوب می شود مواردی لازم به ذکر است. با آن که این ماده اصل را بر علنی بودن محاکمات گذاشته است اما در تبصره آن منظور از علنی بودن محاکمه را، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی دانسته است که این مورد همان تفسیر موسعی است که از این اصل می توان داشت. در صورتی که از اصل علنی بودن نباید تفسیر مضیق کرد و با این کار از حق دسترسی مردم و رسانه ها به بسیاری از دادرسی ها جلوگیری کرد.

نکته بعدی این که در این ماده یا مواد دیگر می بایست تعریفی از "اخلاق حسنه" و "منحل امنیت" صورت گیرد تا به هر بهانه ای از حضور مردم و رسانه ها در جلسات دادرسی جلوگیری به عمل نیاید.

همین طور در این قانون در ماده ۹۱ خود، تحقیقات مقدماتی را به صورت محرمانه دانسته مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. همین طور طبق این ماده کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشاء اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

منظور از غیر علنی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی این است که به غیر از افرادی مانند متهم شاکی و وکلای آن‌ها یا کارشناس و شهود و افراد مطلع که حضور آن‌ها لازم دانسته شده است، سایر افراد، حق حضور در جلسه تحقیقات مقدماتی را ندارند و این تحقیقات خواه به وسیله ضابطین انجام می‌شود و خواه به وسیله مقامات قضایی در هر صورت غیرعلنی است. به این ترتیب مطابق ماده ۱۵۲ ق آ د ک قبلی تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه غیر علنی است [۱۲، ص ۱۳۹ و ۱۴۰] و رسانه‌ها در این مرحله به هیچ عنوان حق مصاحبه با اصحاب دعوا، شهود، مطلعین و حق دسترسی به اطلاعات پرونده‌ها را نخواهند داشت و همین طور چون قبل از قطعیت پرونده نیز می‌باشد حق انتشار هیچ گونه مطلبی را ندارند و الا به جرم مفتری مجازات خواهند شد.

در این قانون طبق ماده ۹۱ تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشاء اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند. بنابراین روزنامه نگاران و اصحاب رسانه‌ها اجازه ندارند در این مرحله، اطلاعاتی را بدست آورده و منتشر کنند.

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی را ممنوع دانسته مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: (ماده ۹۶)

الف- متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان وجود نداشته باشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می شود.

ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می شود.

ماده ۳۵۳ این قانون نیز که یکی از مواد بسیار مهم در بحث محدودیت ها و ممنوعیت های انتشار اطلاعات قضایی در کشور ما است موارد انتشار و عدم انتشار، محدودیت ها و ممنوعیت ها را مطرح کرده است که رسانه ها را ملزم کرده تا بدان پایبند باشند و در صورت تخلف از آن، قانون گذار آن ها را به عنوان مفتری مجازات خواهد کرد.

“ انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

تبصره ۱- هرگونه عکس برداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است. اما رییس دادگاه می تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه امکان پذیر است.

در برخی از موارد دستگاه قضایی خود را ملزم کرده است تا به عنوان مجازات های تکمیلی برخی جرائم و به دلیل اعتمادی که می تواند برای مردم در پاک بودن و اقتدار قوه قضاییه ایجاد کند، آن جرائم و مشخصات متهمین آن ها را در رسانه ملی یا در روزنامه های کثیرالانتشار منتشر کند. در این خصوص ماده ۳۵ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ چنین بیان کرده است: « انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض، یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اختلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت انجام می شود. »

۷. نتیجه گیری:

با توجه به مطالبی که در این پژوهش بدست آمد و مطالعه ای که در کشورهای امریکا، فرانسه و ایران شد می توان گفت که در نظام های حقوقی مختلف در کشور ها، همگی اصل را بر علنی بودن محاکمات قرار داده اند و خود را با اعلامیه حقوق بشر و همچنین با میثاقین، وفق داده اند و سعی کرده اند تا اقدامات خود را در چارچوب و در راستای این اسناد بین المللی انجام دهند. همین طور در کشورهای مختلف با آن که از اصل علنی بودن دادرسی ها، تفسیرهای متفاوتی دارند و برخی تفسیر موسع و برخی دیگر نیز از آن تفسیر مضیق ارائه داده اند، اما در هر صورت در حال حاضر تمام تلاش ها

به این سمت است که تفسیری موسع از این اصل بنیادین داشته باشند تا بتوانند حضور حداکثری را در دادرسی‌ها برای مردم و رسانه‌ها بوجود بیاورند.

در این که آیا رسانه‌ها حق دسترسی به اطلاعات قضایی دارند، پر واضح است که از مبانی آن می‌توان به این سؤال مهم پاسخ داد. از مبانی حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی، می‌توان به حق آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات، آزادی بیان و اطلاع رسانی، اصل علنی بودن دادرسی‌ها اشاره کرد. با توجه به این اصول و حقوق بنیادین، داشتن حق دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی که از اطلاعات مهم در زمره منافع عمومی هست، مفروض و امری بدیهی است.

پس کشورها در این که رسانه‌ها حق دارند به جلسات دادرسی و اطلاعات قضایی دسترسی داشته باشند مشکلی ندارند. مشکل آن جاست که حدود این دسترسی در زمان‌ها و اوضاع و احوال مختلف، به طور ارتجاعی تغییر می‌کند و حق دسترسی را برای رسانه‌ها دچار مشکل می‌کند که در ادامه آن هم مشکلاتی بسیار را برای رسانه‌ها بوجود می‌آورد.

در مورد حدود دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی نیز می‌توان حدودی را ذکر کرد که در واقع خط قرمز رسانه‌ها تلقی می‌شوند و رسانه‌ها نباید پا را از آن فراتر نهند. اینکه رسانه‌ها باید اصل استقلال قوه قضاییه و قضات را رعایت کنند و باعث اختلال در روند رسیدگی‌های قضایی نشوند. اینکه رسانه‌ها نباید حریم خصوصی طرفین دعوا، شهود، مطلعین، کارشناسان، قضات، پرسنل قضایی و هر کسی که در روند دادرسی به نوعی همکاری دارد، را نقض کند و رسانه‌ها می‌بایست حافظ حریم خصوصی افراد درگیر در پرونده‌های قضایی باشند.

رسانه‌ها نباید اصول دادرسی منصفانه مانند اصل براءت و حق دفاع را که می‌تواند حافظ منافع طرفین دعوا باشد، نقض کنند. این اصول آن قدر اهمیت دارند که برخی از کشورها هر گونه سهل‌انگاری و تسامح در اجرای آن‌ها را نمی‌بخشند و با شدت با آن‌ها برخورد می‌کنند. همین‌طور رسانه‌ها می‌بایست از انجام هر کاری که باعث اختلال

در نظم عمومی شود خودداری کنند که این مورد از حدود بسیار مهم و غیرقابل بخشش است که با امنیت و نظم یک جامعه در ارتباط است. علاوه بر آن رسانه ها نباید ناقض و اخلال گر در نظم جلسات دادرسی باشند، چون در آن صورت قضات با آن ها برخورد کرده و جلوی فعالیت آن ها را خواهند گرفت. حفظ و رعایت اخلاق حسنه نیز یکی دیگر از حدود دسترسی رسانه ها است تا به آن ها اجازه دسترسی به اطلاعات قضایی داده شود.



منابع :

- انصاری، باقر، «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، ش ۳۵، ۱۳۹۰.
- انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، چ ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، ایالات متحده امریکا و فقه امامیه، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، چ ۱، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
- جوانمرد، بهروز، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، چ ۲، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۰.

Herrero , Alvaro and Lopez , Gasper, *Access to information & transparency in the judiciary*, World bank institute , 2010, Available at: [http://siteresources.worldbank.org/WBI/Resources/213798-](http://siteresources.worldbank.org/WBI/Resources/213798-1259011531325/6598384-1268250334206/Transparency_Judiciary.pdf)

[1259011531325/6598384-1268250334206/Transparency_Judiciary.pdf](http://siteresources.worldbank.org/WBI/Resources/213798-1259011531325/6598384-1268250334206/Transparency_Judiciary.pdf).

Lee, Jane , *Justice opens up to social media* , 2013, <http://www.smh.com.au/digital-life/digital-life-news/justice-opens-up-to-social-media-20131021-2vx37.html>.

Loi sur la liberte' de la presse , Loi du 29 jūillet 1881 , Version consolide' e au 7 mars 2007.

Universal Declaration of Human Rights , 1948, <http://www.unicode.org/udhr>.

Webb , Patrick , *Privacy or Publicity: Media Coverage and Juvenile Proceedings in the United States* , Vol. 3, USA , International Journal of Criminal Justice Sciences , 2008 , <http://www.sascv.org/ijcjs/webb.htm>.

<http://www.rcfp.org/first-amendment-handbook/introduction-criminal-proceedings>.

[9] B. Coffey , Melissa , *ADMINISTRATIVE INCONVENIENCE AND THE MEDIA'S RIGHT TO COPY JUDICIAL RECORDS* , Boston, Boston college law review, 44 B.C.L. Rev. 1263 , 2003, http://www.bc.edu/dam/files/schools/law/lawreviews/journals/bclaw_r/44_4/13_TXT.htm.